



رابطه محتوای آشکار رؤیا با سبک‌های دلبستگی: نقش واسطه‌ای حافظه شرح حال

سالومه قاسمی منصف^۱، قیصر ملکی^۲

چکیده

هدف از این پژوهش، پیش‌بینی محتوای آشکار رؤیاها بر اساس سبک‌های دلبستگی و بررسی نقش میانجی حافظه شرح حال بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی و نیمسال دوم تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. حجم نمونه ۴۳۴ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. تمامی شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی (هازان و شیور، ۱۹۷۸)، آزمون حافظه شرح حال (ویلیامز و برودبنت، ۱۹۸۶)، محتوای آشکار رؤیا (موسوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ (۱۹۹۰) را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. نتایج نشان داد که میان محتوای آشکار رؤیاها و سبک‌های دلبستگی با واسطه حافظه شرح حال رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این، حافظه شرح حال مثبت و منفی با محتواهای رؤیا با موضوع بازگشت گذشته، کابوس و مرگ و بیماری رابطه معناداری داشت. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که رؤیاها ریشه در گذشته تحولی فرد داشته که محتوای آن توسط حافظه فرد از رویدادهای شخصی تعدیل می‌شود.

کلید واژه‌ها: حافظه شرح حال؛ محتوای آشکار رؤیا؛ سبک‌های دلبستگی

^۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران (نویسنده مسئول)^۲ دانشجوی دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران



مقدمه

امروزه روان‌شناسان و روان‌پزشکان انتظار ندارند که رؤیایا درباره آینده به ما چیزی بگویند، ولی برخی پژوهشگران رؤیایا را بررسی و تحلیل می‌کنند تا شاید درباره خواب‌بیننده اطلاعات از گستره زندگی و تجارب وی به دست آورند (کرن، آیور، گوته، اتو، پریو و شرد^۱، ۲۰۱۴). در همین راستا، در قرون اخیر پژوهشگران و نظریه‌پردازان زیادی بوده‌اند که نسبت به مفاهیم رؤیایا کنجکاوی نشان داده‌اند؛ تا آنجایی که امروزه بررسی و تحلیل رؤیایا، بخش با ارزش و ثابتی از روان‌شناسی تحلیلی را تشکیل می‌دهد. دلیل این امر، مطالعات تحلیل محتوایی است که به‌طور عمده نشان می‌دهد محتوای رؤیا با تجارب و افکار بیداری در ارتباط هستند (بلوچی انارکی و رحیمی، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر، چندین نظریه سعی در توضیح عملکرد رؤیا دارند که کارکردهای آن از تسهیل سازگاری هیجانی (دلینز، گیلسون و پیگنوکس^۲، ۲۰۱۴) و تثبیت حافظه (کلپال و اسکرد^۳، ۲۰۱۹) تا ادغام و تسلط بر تجربیات زندگی متغیر است (موسوی‌پور، گلزاری، دلاور و اسکندری، ۱۳۹۰). از دیدگاه‌های دیگر، رؤیایا راه‌حل‌های خلاقانه‌ای را برای مشکلات شخصی ایجاد می‌کنند (شمس‌الواعظین و باباخانی، ۱۳۹۷)، یا ایجاد ارتباط‌های جدیدی بین فرآیندهای شناختی و اطلاعات رمزگذاری شده در حافظه شخص را سبب می‌شوند (کرونر، گوچ، هانسن، بروویک، اسکرد و استیل^۴، ۲۰۱۳). اخیراً پیشنهاد شده است که خواب دیدن می‌تواند در یادگیری، حافظه و فرآیندهای تنظیم هیجان نیز نقش ایفا کند (دسیلس و داکلوس^۵، ۲۰۱۳)، و حتی رؤیایا اجازه می‌دهند تا از لحاظ عملکردی مهارت‌های اجتماعی را تمرین کنند (رونسو، تومینن و والی^۶، ۲۰۱۵). همچنین رؤیا دیدن می‌تواند قطعات حافظه شرح حال را منعکس کند که از طریق فرآیند ارتباط مضاعف مجدداً با سایر منابع حافظه متصل شده و منجر به ایجاد زمینه‌ای برای تجربه مجدد افکار و هیجان‌هایی می‌شوند که در سطح پایین دسترسی قرار دارند (هارتون و مالدینوسکی^۷، ۲۰۱۵).

ورای کارکرد رؤیایا، محتواهایی که در آن مشاهده می‌شود از دیرباز مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازانی چون فروید و یونگ بوده است. در دیدگاه فروید رؤیایا دارای یک محتوای آشکار (رویدادهای واقعی در رؤیایا و آن چیزی که فرد به‌عنوان رؤیای خود به خاطر می‌آورد) و یک محتوای نهفته یا پنهان (معنای نمادی این رویدادها یا همان افکار و امیال ناخودآگاه) نیز هستند (فروید، ۱۸۹۹، ترجمه علی‌مرادیان، ۱۳۹۴) تا جایی که فروید رؤیا را شاه‌راهی به‌سوی ناخودآگاه می‌دانست. یونگ نیز رؤیا را به‌منزله شیوه خاص برون‌ریزی ناهشیاری در سطح هشیاری می‌دانست. از نظر یونگ رؤیایا باری کنونی دارند و مسیرهای آینده زندگی روانی را نیز اعلام می‌کنند. از نظر آدلر نیز هدف اساسی رؤیایا عبارت است از کمک به فرد برای حل مشکلات حاضر. رؤیا نشانه‌ای از سبک زندگی و بازتابی از شخصیت آدمی و از این‌رو منحصر به خود فرد است (کرون و پروین^۸، ۲۰۱۵).

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان گفت شاید بخش عمده‌ای از محتوای رؤیایا و یا تجارب خواب محصول رخدادهای زمان بیداری هستند؛ اما نکته اصلی آن جاست که احتمال می‌رود تجارب گذشته دور و نزدیک نیز در محتوای رؤیایا اثر داشته باشد. لذا احتمال

1 Kern, Auer, Gutsche, Otto, Preu & Schredl

2 Deliens, Gilson & Peigneux

3 Klepel & Schredl

4 Kröner, Gosch, Hansen, Borowik, Schredl & Steil

5 Desseilles & Duclos

6 Revonsuo, Tuominen & Valli

7 Horton & Malinowski

8 Cervone & Pervin



می‌رود سبک دلبستگی به عنوان تجربه‌ای دور کماکان در رؤیا و کیفیت آن مؤثر باشد. در همین راستا، دیده شده است که محرومیت از مادر (جدایی طولانی مدت نوزاد از مادر) با اختلال و کاهش خواب REM در مرحله ناامیدی (اعتراض و ناامیدی) از روند جدایی در نظریه بالبی همراه است (کروچ، ویلهم، دیکلمن و برن^۱، ۲۰۱۳). در مطالعه‌ای بر گروهی از داوطلبان دانشجویی دانشگاه، نشان داده شد که شرکت‌کنندگانی که در مقیاس دلبستگی ناایمن طبقه‌بندی شده‌اند، به احتمال زیاد، فقط یک رؤیا را گزارش می‌کردند و عنوان می‌داشتند که غالباً رؤیایی را با شدت عاطفی بالا مشاهده می‌کنند. در مقابل، شرکت‌کنندگانی که در مقیاس دلبستگی ناایمن نمره کمی کسب کردند به احتمال زیاد بیشتر از یک رؤیا را گزارش می‌دهند و تمایل داشتند رؤیاهایی با میانگین بیشتر کلمات در هر رؤیا را بیان کنند، در حالی که یادآوری رؤیا برای افراد با دلبستگی اجتنابی کمترین و برای افراد با دلبستگی آشفته بالاترین میزان بود. این داده‌ها بیان می‌دارند که رؤیاها با دلبستگی ارتباط متقابل دارند (کنتلو، هارت و لوین^۲، ۲۰۱۳).

از سوی دیگر، احتمال می‌رود تجربه‌های فعلی و خاطرات نه چندان دور سبب تأثیر بر محتوای رؤیاها شود. لذا همان‌گونه که در ابتدا گفته شد، حافظه شرح حال می‌تواند چنین اثری داشته باشد (هارتون و مالیونسکی، ۲۰۱۵). مطالعات اولیه حافظه شرح حال در چارچوب کلی مدل‌های شبکه‌ای حافظه صورت گرفته است. این مدل‌ها بیان می‌کنند که هیجان‌ها به عنوان بخشی از یک شبکه تداعی کلی‌تر در حافظه بازنمایی می‌شوند. بر این اساس، محتوای حافظه شرح حال تا حد زیادی تحت تأثیر تجارب هیجانی فرد است (میلز^۳، ۲۰۱۸). از آنجایی که دلبستگی اثر معناداری بر نحوه پردازش و بازشناسی هیجان دارد (میکولینسر و شیور^۴، ۲۰۱۹)، این احتمال مطرح است که کیفیت دلبستگی افراد به عنوان مبنایی محکم برای شکل‌گیری و تحول هیجان بر الگوی حافظه شرح حال آنان اثر بگذارد. علاوه بر این، دلبستگی ایمن با نحوه یادآوری خاطرات دوران قبل از زندگی ارتباطی تنگاتنگ دارد (باریانت و بالی^۵، ۲۰۱۸)، بدین گونه که افراد ایمن خاطرات خود با چهره دلبستگی را به طریقی روشن، منسجم و همراه با محتواهای هیجانی مثبت و منفی یادآوری می‌کنند، این در حالی است که افراد ناایمن معمولاً تجارب مربوط به روابط نزدیک خود را به گونه‌ای سازمان‌نیافته، تحریف‌شده و نامنسجم یادآوری کرده و به طور کلی در ذکر خاطرات مربوط به روابط نزدیک ضعیف‌تر عمل می‌کنند (واترز، رویز و روتمن^۶، ۲۰۱۷).

از مطالب فوق می‌توان چنین برداشت کرد که حافظه شرح حال با دلبستگی ارتباطی دوسویه دارند و رابطه دلبستگی با محتوای آشکار رؤیاها پیش از این دیده شده است. همچنین از دیرباز به اثر رویدادهای روزمره در محتوای رؤیا اشاره شده است؛ لذا احتمال می‌رود که حافظه شرح حال به عنوان میانجی در رابطه‌ی میان سبک دلبستگی و محتوای آشکار رؤیاها قرار دارد. لذا با توجه به عدم وجود پیشینه‌ی تحقیقی دال بر فرضیه مذکور، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا حافظه شرح حال را می‌توان به عنوان میانجی در ارتباط سبک دلبستگی و محتوای آشکار رؤیا در نظر گرفت؟

1 Groch, Wilhelm, Diekelmann & Born

2 Contelmo, Hart & Levine

3 Mills

4 Mikulincer & Shaver

5 Bryant & Bali

6 Waters, Ruiz & Roisman



روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع پژوهش های بنیادین و به لحاظ روش، از نوع پژوهش های توصیفی و همبستگی و از نوع مدل-یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران می باشد که در نیم سال دوم سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی مشغول به تحصیل بوده اند. تعداد کل دانشجویان حدود ۲۰۰۰ نفر بودند. در پژوهش حاضر، نمونه گیری تصادفی و به روش خوشه ای چندگانه (با توجه به اخذ لیست کلیه رشته ها از آموزش دانشکده) انتخاب شدند. با توجه به تعداد کل دانشجویان و نیز جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۴۰۰ دانشجو مکفی به نظر می رسید که با در نظر گرفتن احتمال وجود پرسشنامه های با ملاک های خروج، ۴۵۰ پرسشنامه توزیع گردید که در پایان ۴۳۴ پرسشنامه تکمیل شد. لازم به ذکر است که شرکت کنندگان باید از دانشجویان کارشناسی باشند و آنچه که سبب خروج آنان از پژوهش می شود، وجود نقایص و اختلال های حسی دخیل در روند پژوهش مانند نابینایی است. وجود افسردگی و اضطراب مورد تشخیص در پرسشنامه سلامت روان (GHQ-28) دیگر ملاک خروج است که کسب نمره بالای ۱۴ در هر یک از ابعاد را شامل می شود. علاوه بر این، نقص در تکمیل پرسشنامه های ارائه شده (عدم پاسخ گویی به سه سؤال و یا کسب نمره ای با ۳ انحراف معیار در هر پرسشنامه) سبب حذف فرد از نمونه می شود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک های دلبستگی: این پرسشنامه در سال ۱۹۷۸ توسط هازان و شیور ساخته شده است. این پرسشنامه شامل دو بخش است که بخش اول، ۱۵ سوال در لیکرت پنج گزینه ای را دربرمی گیرد که سبک های دلبستگی ایمن و نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) را می سنجد. همچنین بخش دوم شامل سه پاراگراف است که هر پاراگراف میزان راحتی، نزدیکی و صمیمیت فرد با افراد مهم در زندگی اش را توصیف می کند. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر تنها از بخش اول استفاده شده است تا به کارگیری ابزار تسهیل شود. همچنین باید افزود که توصیف های فوق بر پایه تعمیم توصیف های اینزورث (۱۹۷۴) از طبقه بندی دلبستگی نوزادان و تطبیق آن با روابط بزرگسالان تهیه شده است. هر توصیف منعکس کننده یکی از سبک های دلبستگی است. توصیف نخست سبک دلبستگی ایمن، توصیف دوم و سوم سبک دلبستگی نایمن را نشان می دهد. مطالعات متعدد شواهدی دال بر روایی و پایایی مناسب این آزمون (حدود ۰/۷۱) ارائه کرده اند (هازان و شیور^۱، ۱۹۸۷). مظاهری (۱۳۷۹) ویژگی های روان سنجی نسخه فارسی این پرسشنامه را قابل قبول و بیش از ۰/۷۵ گزارش کرده است.

آزمون حافظه شرح حال:^۲ آزمونی برای بررسی حافظه شرح حال رویدادی می باشد که برای اولین بار توسط ویلیامز و برودبنت^۳ (۱۹۸۶) به کار برده می شود. این روش شامل ارائه نشانه لغت های دارای بار هیجانی متفاوت می باشد. از شرکت کنندگان خواسته می شود که به هر لغت، با رویدادی (خاطره ای) که به واسطه لغت یادآوری می شود، پاسخ دهند. رویداد یادآوری شده می تواند مهم

1 Hazan & Shaver

2 Autobiographical Memory Test (AMT)

3 Williams & Broadbent



یا کم اهمیت، مربوط به دوران گذشته یا اخیر باشد، اما باید یک رویداد اختصاصی باشد. چیزی که در یک زمان و مکان خاص رخ داده و دارای یک مدت زمان محدود (یک روز یا کمتر) است. در این مطالعه از نسخه فارسی آزمون مورد نظر (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸) استفاده شد که روایی و پایایی را بالای ۰/۸۳ گزارش کرده اند. زمان لازم برای ارائه پاسخ، ۳۰ ثانیه در نظر گرفته شد. عدم پاسخ دهی در زمان مقرر به عنوان «حذف» نمره گذاری می گردد. اگر پاسخ ها معیار اختصاصی بودن را تأمین کنند، به عنوان «اختصاصی» کدگذاری می شوند و یک نمره مثبت دریافت می کنند و در غیر این صورت به عنوان «غیراختصاصی» یا بیش کلی و بدون نمره کدگذاری می شوند.

محتوای آشکار رؤیا:^۱ این پرسشنامه توسط موسوی پور، رفیعی و غریبی (۱۳۹۴) در دانشجویان دانشگاه اراک ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۲۲ گویه است که با لیکرت پنج تایی نمره گذاری می شود. اعتبار پرسشنامه با استفاده از تحلیل عوامل با روش چرخشی از نوع واریماکس بررسی و بر این اساس طی دو مرحله ۱۰ عامل استخراج گردید که شامل طبیعت، کابوس، ارتباط، مذهبی، حیوانات، مرگ و بیماری، نیازهای فیزیولوژیک، بازگشت به گذشته، رؤیاهای روشن و آینده است. آن ها گزارش کردند که ضرایب آلفای عوامل ده گانه رضایت بخش بود و ضریب پایایی کل پرسشنامه نیز ۰/۹۴ بود.

پرسشنامه سلامت عمومی:^۲ وجود افسردگی و اضطراب از ملاک های خروج پژوهش حاضر است که کسب نمره بالای ۱۴ در هر یک از ابعاد آن را شامل می شود. لذا این پرسشنامه شامل ۲۸ سؤال بوده که توسط گلدبرگ تألیف گردیده است. سؤال های این پرسشنامه به بررسی وضعیت سلامتی فرد در یک ماه اخیر می پردازد و شامل نشانه هایی مانند افکار و احساسات نابهنجار و جنبه هایی از رفتار قابل مشاهده است که بر موقعیت اینجا و اکنون تأکید دارد. این پرسشنامه چهار مقیاس فرعی دارد که هر کدام آن ها دارای ۷ سؤال است که عبارتند از: نشانه های جسمانی، نشانه های اضطرابی و عملکرد اجتماعی و نشانه های افسردگی. برای نمره گذاری پرسشنامه از روش لیکرت استفاده شده و نمره هر یک از مقیاس های چهارگانه آن نیز از صفر تا ۲۱ متغیر است. در بررسی گلدبرگ و ویلیامز اعتبار تصنیفی برای کل پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش کردند و ثبات درونی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است. این پرسشنامه توسط تقوی در دانشگاه شیراز ترجمه و انطباق یافته و اعتبار و روایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. ضریب اعتبار و روایی مقیاس های چهارگانه این پرسشنامه به ترتیب عبارتند از: نشانه های جسمانی (۰/۶۰ و ۰/۷۶)، اضطراب (۰/۶۷ و ۰/۸۴)، نارسایی در کارکرد اجتماعی (۰/۵۷ و ۰/۶۱)، افسردگی (۰/۵۸ و ۰/۶۱) و کل پرسشنامه (۰/۵۵ و ۰/۹۳) می باشد (نوری و همکاران، ۱۳۹۳).

روش اجرا: پس از جمع آوری داده ها، تلخیص و تحلیل استنباطی داده ها انجام گرفت. روش آماری مورد استفاده جهت تحلیل داده ها در بخش آمار توصیفی فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، کجی، کشیدگی، نمودار، جهت بررسی پرسشنامه ها از ضریب آلفای کرونباخ، جهت بررسی نرمال بودن داده از آزمون کولموگراف - اسمیرنوف و در بخش آمار استنباطی از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون (با استفاده از نرم افزار SPSS 20) و مدل یابی معادلات ساختاری (با استفاده از نرم افزار آماری LISREL) استفاده شد.

1 MDQ.AU

2 General Health Questioner (GHQ-28)

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۴۳۴ نفر شرکت داشتند که از این تعداد ۲۷۴ (۶۳/۱۳) نفر زن و ۱۶۰ (۳۶/۸۶) درصد) نفر مرد بودند که میانگین سنی کل نمونه برابر با ۲۲/۶۷ سال و انحراف معیار آن‌ها ۳/۴۹ و میانگین به تفکیک جنسیت به ترتیب برابر با ۲۲/۱۸ و ۲۳/۴۴ سال بود. دیگر اطلاعات توصیفی در جدول یک ارائه شده است:

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

Sig	K-S	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه	متغیر
۰/۵۵	۰/۷۹۱	۱۰/۵۱	۱۹/۱۲	ایمن	سبک دلبستگی
۰/۷۰	۰/۷۰۶	۸/۸۲	۳۹/۵۱	ناایمن	
۰/۳۲	۰/۹۵۴	۱/۸۸	۴/۳۴	مثبت	حافظه شرح حال
۰/۴۴	۰/۸۶۴	۱/۴۵	۳/۹۴	منفی	
۰/۵۲	۰/۸۱۲	۳/۴۴	۳/۱۲	طبیعت	محتوای رؤیا
۰/۵۴	۰/۷۸۴	۳/۵۱	۸/۴۲	کابوس	
۰/۷۱	۰/۷۱۱	۳/۵۵	۷/۷۲	ارتباط	
۰/۴۲	۰/۸۴۵	۳/۴۸	۲/۰۳	مذهبی	
۰/۵۹	۰/۷۹۱	۳/۶۵	۲/۹۱	حیوان	
۰/۷۶	۰/۷۵۵	۳/۶۸	۶/۶۴	مرگ و بیماری	
۰/۷۴	۰/۷۶۰	۳/۶۹	۵/۱۶	نیازهای جسمی	
۰/۳۱	۰/۹۴۵	۲/۲۰	۶/۴۵	بازگشت به گذشته	
۰/۴۳	۰/۸۴۶	۱/۲۸	۲/۷۱	رویای روشن	
۰/۵۱	۰/۸۲۱	۱/۸۳	۲/۳۲	آینده	

جدول فوق علاوه بر میانگین و انحراف معیار نشان می‌دهد که داده‌ها از توزیع بهنجاری برخوردار هستند چرا که سطح معناداری برای هر یک از متغیرها در آزمون کلموگروف – اسمیرنوف بالاتر از آلفای پنج درصد است، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد. در همین راستا، از همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول دو آمده است:

جدول ۲: همبستگی متغیرهای پژوهش

[illegible]



۳-

شرح

۰/۶۵** -۰/۴۱** ۱

حال

مثبت

۴-

شرح

۰/۵۵** -۰/۵۱** -۰/۴۷** ۱

حال

منفی

۵-

طبیعت

۰/۱۲ ۰/۰۸ ۰/۱۲* ۰/۱۳ ۱

۶-

کابوس

-۰/۰۹ ۰/۶۳** -۰/۳۴** ۰/۴۷** -۰/۰۴ ۱

۷-

ارتباط

۰/۶۹** ۰/۲۴* ۰/۱۹* ۰/۲۹* -۰/۰۷ ۰/۱۲* ۱

۸-

مذهبی

۰/۲۱* -۰/۲۳* ۰/۱۷* ۰/۱۴ -۰/۰۶ -۰/۱۴* ۰/۲۲* ۱

۹-

حیوان

۰/۱۴ -۰/۱۱ -۰/۰۴ -۰/۱۳ -۰/۰۳ ۰/۳۹** ۰/۰۱ -۰/۰۸ ۱

۱۰-

مرگ و

-۰/۲۴* ۰/۶۸** -۰/۳۲** ۰/۶۷** -۰/۰۱ ۰/۴۴** ۰/۰۳ ۰/۱۲* ۰/۲۶* ۱

بیماری

۱۱-

نیازهای

۰/۱۵ ۰/۲۳* ۰/۱۷* ۰/۲۱* -۰/۱۱* -۰/۰۲ ۰/۱۷* -۰/۰۴ -۰/۰۲ ۰/۲۱* ۱

جسمی

۱۲-

بازگشت

۰/۲۳* ۰/۸۱** ۰/۶۴** ۰/۸۲** -۰/۰۴ ۰/۱۱ ۰/۲۱* ۰/۰۲ ۰/۱۰* ۰/۱۴* ۰/۱۲* ۱

گذشته

۱۳-

رویای

۰/۰۵ ۰/۰۱ -۰/۰۲ -۰/۰۴ -۰/۰۱ -۰/۰۱ ۰/۰۱ ۰/۰۳ -۰/۰۱ -۰/۰۳ ۰/۰۱ ۱

روشن

۱۴-

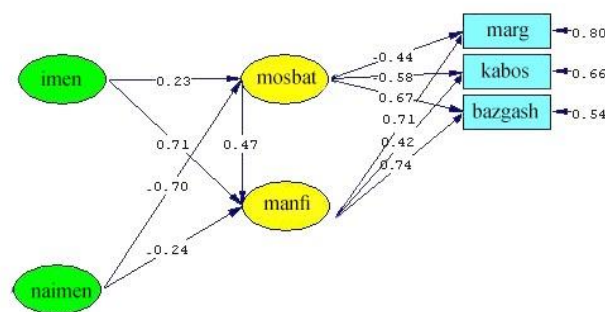
آینده

۰/۶۰** ۰/۰۴ ۰/۰۶ ۰/۰۱ -۰/۰۲ -۰/۰۴ -۰/۰۲ ۰/۰۲ ۰/۰۴ ۰/۰۷ -۰/۰۵ -۰/۰۲ ۰/۰۱ ۰/۰۶

**p<۰/۰۱ *p<۰/۰۵



جدول فوق نشان می‌دهد که میان متغیرهای پژوهش همبستگی معناداری در سطوح ۱٪ و ۵٪ درصد وجود دارد که بر این اساس می‌توان گفت رابطه معناداری میان ابعاد حافظه شرح حال با سبک‌های دلبستگی وجود دارد ($p < 0.01$)، بدین صورت که هرچه نمره فرد در دلبستگی ایمن بالاتر باشد، نمره بالاتری نیز در حافظه شرح حال مثبت خواهد داشت و هرچه فرد در دلبستگی ناایمن نمره بالاتری به دست بیاورد، در حافظه شرح حال منفی نیز بالاتر خواهد بود. همچنین میان برخی از محتواهای رؤیا و حافظه شرح حال مثبت و منفی و نیز سبک‌های دلبستگی رابطه معناداری وجود دارد. مدل به دست آمده از روابط فوق به شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۱: مدل مفهومی روابط متغیرها

جدول سه شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد:

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل

NNFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	RMR	RMSEA	χ^2/df	df	χ^2
۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۰۵۶	۰/۰۱۷	۱/۷۱	۸۴	۱۴۳/۶۱

در یک الگوی ساختاری مطلوب، لازم است خي دو نسبت به درجه آزادی (X^2/df) کمتر از ۳، ریشه میانگین مجذورات باقیمانده (RMSR) کمتر از ۰/۰۵، شاخص نکویی برازش (GFI) بزرگتر از ۰/۹۵، شاخص برازش تطبیقی (CFI) بزرگتر از ۰/۹، شاخص برازش افزایشی (IFI) بزرگتر از ۰/۹۵ و تقریب ریشه میانگین مجذورات خطا (RMSEA) کمتر از ۰/۰۸ باشد. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود RMR و RMSEA در این مدل به ترتیب ۰/۰۵۶ و ۰/۰۱۷ به دست آمده است. همچنین سایر شاخص‌ها نزدیک به یک هستند که نشان از برازش خوب الگو است. بر این اساس، نتایج مربوط به شاخص‌های برازش بیان‌گر



برازش قابل قبول مدل با داده های پژوهش حاضر است. در نتیجه می توان گفت که فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر میانجی گری حافظه شرح حال بین محتوای رؤیا و سبک دلبستگی تأیید می گردد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی و محتوای رؤیاها با نقش میانجی حافظه شرح حال در دانشجویان کارشناسی انجام شد که در همین راستا، ۴۳۴ دانشجو به روش تصادفی انتخاب شدند و داده های به دست آمده از تکمیل پرسشنامه های مرتبط با متغیرهای پژوهش با روش های آماری متناسب تحلیل شد. به طور کلی، بین سبک دلبستگی و محتوای رؤیاها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و حافظه شرح حال می تواند به عنوان متغیر میانجی ارتباط میان آن دو متغیر را تبیین نماید. علاوه بر این، هر دو بعد حافظه شرح حال با برخی از محتواهای رؤیا شامل کابوس، مرگ و بیماری و بازگشت به گذشته رابطه معنادار مشاهده می شود. یافته های فوق با پیشینه مذکور همسو است.

ارتباط معکوس میان دلبستگی ناایمن و عملکرد ضعیف حافظه شرح حال را می توان ناشی از رویکرد تدافعی افراد دانست. مطابق با نظر بالبی، ارزیابی کودک از رخداد های تنیدگی زا متأثر از انتظارات او پیرامون در دسترس بودن چهره دلبسته یا به تعبیر بالبی الگوهای کاری درونی می باشد. این الگوهای کاری بر تعاملات پیشین فرد با والدین بنا نهاده می شود و می توان آن را بازنمایی دقیقی از تجارب فرد در نظر داشت (نوواک، توتل و بلیندر^۱، ۲۰۱۹). در واقع انتظارات ما از میزان در دسترس بودن و پاسخگو بودن چهره دلبستگی تعیین کننده کیفیت الگوهای درونی خواهد بود. چنین انتظاراتی تغییردهنده ارزیابی های فرد از خاطرات پیشین است (کائو، مادور، وانگ و اسکاکتر^۲، ۲۰۱۸). بر این اساس، تعریف فرد از خود و دیگری متأثر از محتوای الگوهای دلبستگی است و می توان نتیجه گرفت که تجارب دلبستگی منجر به گزینشی شدن حافظه شرح حال می شوند. بدین صورت که برخورداری از سبک دلبستگی ایمن منجر به گرایش باز و انعطاف پذیر و یادآوری تمام خاطرات (چه مثبت و چه منفی) می گردد. در حالی که سبک دلبستگی ناایمن با سرکوب گری تجارب مرتبط به دلبستگی، با محدودیت در یادآوری اختصاصی رویدادها همراه خواهد بود.

از سوی دیگر، در پژوهش حاضر دیده شد که هر دو سبک دلبستگی با محتواهایی رابطه دارد که مربوط کابوس، مرگ - بیماری و بازگشت به گذشته است. از سوی دیگر، رابطه حافظه شرح حال مثبت با محتوای مرگ - بیماری و کابوس و رابطه مثبتی با بازگشت به گذشته منفی می باشد. همچنین رابطه حافظه شرح حال منفی با محتوای مرگ - بیماری، کابوس و بازگشت به گذشته مثبت است. در همین راستا بیان شده است که نظریه دلبستگی قائل به ارتباطی منطقی و دوسویه بین سبک های دلبستگی و توانایی پردازش شناختی است (سندر، هوروانس، بودیز و تگ^۳، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، سبک دلبستگی می تواند پردازش اطلاعات فرد را تحت تأثیر قرار دهد و سبب شود حافظه ایجاد شده، متأثر از سبکی که با دیگران ارتباط دارد، بیشتر از سایر خاطرات ذخیره و یادآوری شود (باریانت و بالی، ۲۰۱۸). همچنین رفتارهای دلبستگی سبب فعال شدن سیستم های مغزی و عصبی - هورمونی می شود که در سیستم های شناختی نقش دارند (هارت^۴، ۲۰۱۸). در نتیجه می توان بیان داشت که حافظه شرح حال تحت تأثیر

1 Novac, Tuttle & Blinder

2 Cao, Madore, Wang & Schacter

3 Sándor, Horváth, Bódizs & Thege

4 Hart



سبک دلبستگی قرار دارد و بر کمیت و کیفیت آن اثرگذار است. همچنین باید افزود که طبق پژوهش‌ها محتوای رؤیاها از رویدادهای تجربه شده (حافظه شرح حال) اثر می‌پذیرد که طبق آن چه گفته شد اثرگذاری مذکور خود تحت اثر سبک دلبستگی است. در همین راستا کروچ و همکاران (۲۰۱۳) نیز بر این موضوع تأکید نمودند که رؤیاها تحت تأثیر روابط هیجانی هنگام بیداری و شرایط سازگاری قبل از خواب قرار دارند. احتمال دیگر این است که خواب رفتارهای روزانه را از طریق فعال‌سازی و پردازش مضامین مربوط به دلبستگی محتوای رؤیا را شکل می‌دهد (کنتلو و همکاران، ۲۰۱۳). برای مثال، در تحلیل محتوای رؤیا افراد روان‌رنجور، اضطراب، نگرانی، ترس، حالات عصبی و وحشت‌زدگی وجود دارد که طی روز تجربه شده است (اسکرد و گوریتز^۱، ۲۰۱۷). همچنین میکولینسز، شیور و آویهو^۲ (۲۰۱۱) بیان کردند که افرادی با دلبستگی ناایمن تمایل داشتند که خود و دیگران را در رؤیاها نسبتاً منفی نشان دهند؛ یعنی مطابق با مدل‌های رفتاری خود در زمان بیداری.

اما یافته اصلی پژوهش را می‌توان این‌گونه عنوان داشت که رؤیاها معمولاً تصویری از وضعیت مطلوب دلبستگی را نشان می‌دهند (هارت، ۲۰۱۸). همچنین محتوای خواب افراد با هر نوع دلبستگی آرمان‌های آن‌ها در روابط و زندگی را به نمایش می‌گذارد و تکرار احساس‌های منفی و ناخوشایند تجربه شده در طول زندگی و به ویژه زمان اخیر آن را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر، افکار و هیجان‌های منفی در افراد با دلبستگی خاص خود در رؤیا جبران می‌شود (لافرنیر، لورتی-لوسیر، دیل، رابیداکس و دی‌کونینک^۳، ۲۰۱۸). همچنین ممکن است افراد احساس‌ها و هیجان‌های خود را در غالب خاطراتی کوتاه که در حافظه شرح‌حال سنجیده می‌شد، بیان نکنند اما دیده می‌شود که همین خاطرات مثبت و منفی اختصاصی در ذهن فرد باقی مانده و اثر دلبستگی بر محتوای رؤیا را تشدید می‌کنند. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که رؤیاها در خدمت برآورده کردن و جبران تجربه‌های هیجانی و دلبستگی هستند که متأثر از حافظه شرح‌حال مجال ابراز و بروز می‌یابند.

اما هر پژوهشی با توجه به امکانات و موقعیتی که در آن به اجرا درآمده است دارای محدودیت‌هایی است که تعمیم‌پذیری آن را به جامعه با مشکلاتی همراه می‌سازد. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به مشارکت بیشتر زنان در این پژوهش اشاره کرد که تعمیم نتایج را به توجه به تفاوت‌های بین جنسیت‌ها به محدودیت مواجه می‌کند. همچنین اجرای پژوهش در دوره بروز کرونا شاید محتوای رؤیاها را تحت تأثیر قرار داده باشد. در پایان پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی نمونه‌ی جامع‌تری از تمامی سنین مورد مطالعه قرار دهند و از هر دو جنس در نمونه‌ی پژوهشی استفاده گردد و علاوه بر این دوره‌ی متوالی ثبت محتوای رؤیا-ها می‌تواند اطلاعات بیشتری در خصوص اهداف پژوهش حاضر فراهم کند. همچنین پیشنهاد می‌شود که به کارگیری محتوای رؤیاها با توجه به سبک دلبستگی افراد برای روان‌شناسان در حیطه درمان‌های روان‌شناختی می‌تواند اطلاعات صحیح‌تری را فراهم آورد.

منابع

1 Schredl & Göritz

2 Mikulincer, Shaver & Avihou-Kanza

3 Lafrenière, Lortie-Lussier, Dale, Robidoux & De Koninck



- بلوچی انارکی، محمد؛ رحیمی، صادق. (۱۳۹۴). اختلالات خواب و رویا: جنبه های روانشناسی و پاتوفیزیولوژی. *علوم اعصاب شفای خاتم*. ۳(۴): ۹۹-۱۱۱.
- شمس الواعظین، ریحانه؛ و باباخانی، نرگس. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش تحلیل رؤیا (مبتنی بر نظریه های تلفیقی رؤیاپژوهی) بر میزان استرس ادراک شده و توانایی حل مسأله زنان جوان. *اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی (اندیشه و رفتار) (روانشناسی کاربردی)*. ۱۲(۴۹): ۱۷-۲۶.
- فروید، زیگموند. (۱۸۹۹). *رؤیا*. ترجمه علی مرادبان، شاهرخ. (۱۳۹۴). تهران: انتشارات هاشمی
- مرادی، علیرضا؛ پرهون، هادی؛ میرآقایی، محمدعلی؛ ارزانی، نسیم؛ حاتم خانی، سجاد (۱۳۹۳). حافظه شرح حال و کارکردهای اجرایی در افراد HIV مثبت و خانواده این بیماران. *پژوهش های کاربردی روان شناختی*. ۱(۵): ۷۳-۸۹.
- مظاهری، محمدعلی. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنشوری ازدواج. *مجله روان شناسی*. ۱۵(۵): ۲۵-۴۵.
- موسوی پور، سعید؛ رفیعی، محمد؛ و غریبی، فرزانه. (۱۳۹۴). ساخت و تعیین ساختار عاملی و پایایی پرسشنامه تحلیل محتوای آشکار رؤیای دانشجویان دانشگاه اراک (MDQ.AU). *مطالعات روان شناسی بالینی*. ۵(۲۰): ۲۵-۵۴.
- موسوی پور، سعید؛ گلزاری، محمود؛ دلاور، علی؛ و اسکندری، حسین. (۱۳۹۰). رابطه بین روایت از رؤیا و مؤلفه های تجارب خواب با ویژگی های شخصیتی دانشجویان. *مطالعات روانشناسی بالینی*. ۱(۲): ۶۷-۹۱.
- نوری، رضا؛ فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی، خدابخش؛ غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۳). وضعیت سلامت عمومی و روانی سربازان در دوره آموزش رزم مقدماتی. *فصلنامه روانشناسی نظامی*. ۵(۱۸): ۵-۱۴.

- Bryant, R. A., & Bali, A. (2018). Activating attachment representations impact how we retrieve autobiographical memories. *Memory*, 26(4), 462-467.
- Cao, X., Madore, K. P., Wang, D., & Schacter, D. L. (2018). Remembering the past and imagining the future: attachment effects on production of episodic details in close relationships. *Memory*, 26(8), 1140-1150.
- Cervone, D., & Pervin, L. A. (2015). *Personality: Theory and research*. John Wiley & Sons.
- Contelmo, G., Hart, J., & Levine, E. H. (2013). Dream orientation as a function of hyperactivating and deactivating attachment strategies. *Self and Identity*, 12(4), 357-369.
- Deliens, G., Gilson, M., & Peigneux, P. (2014). Sleep and the processing of emotions. *Experimental brain research*, 232(5), 1403-1414.
- Desseilles, M., & Duclos, C. (2013). Dream and emotion regulation: insight from the ancient art of memory. *Behavioral and Brain Sciences*, 36(6), 614.
- Groch, S., Wilhelm, I., Diekelmann, S., & Born, J. (2013). The role of REM sleep in the processing of emotional memories: evidence from behavior and event-related potentials. *Neurobiology of learning and memory*, 99, 1-9.
- Hart, S. (2018). *Brain, attachment, personality: An introduction to neuroaffective development*. Routledge.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511.



- Horton, C. L., & Malinowski, J. E. (2015). Autobiographical memory and hyperassociativity in the dreaming brain: implications for memory consolidation in sleep. *Frontiers in psychology*, 6, 874.
- Kern, S., Auer, A., Gutsche, M., Otto, A., Preuß, K., & Schredl, M. (2014). Relation between waking politic, music and sports related tasks and dream content in students of politics and psychology students. *International Journal of Dream Research*, 80-84.
- Klepel, F., & Schredl, M. (2019). Correlation of task-related dream content with memory performance of a film task—A pilot study. *International Journal of Dream Research*, 112-118.
- Kröner, T., Gosch, S., Hansen, K., Borowik, B., Schredl, M., & Steil, R. (2013). The effects of suppressing intrusive thoughts on dream content, dream distress and psychological parameters. *Journal of Sleep Research*, 22(5), 600-604.
- Lafrenière, A., Lortie-Lussier, M., Dale, A., Robidoux, R., & De Koninck, J. (2018). Autobiographical memory sources of threats in dreams. *Consciousness and cognition*, 58, 124-135.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10.
- Mikulincer, M., Agam, T., & Shaver, P. R. (2019). A secure base for mindful dreaming: dispositional and contextually variable attachment security and the experiential quality of dreams. *Attachment & human development*, 1-21.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Avihou-Kanza, N. (2011). Individual differences in adult attachment are systematically related to dream narratives. *Attachment & human development*, 13(2), 105-123.
- Mills, M. A. (2018). *Narrative identity and dementia: A study of autobiographical memories and emotions*. Routledge.
- Novac, A., Tuttle, M. C., & Blinder, B. J. (2019). Identity Narrative and Its Role in Biological Survival: Implications for Child and Adolescent Psychotherapy. *Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy*, 18(2), 155-184.
- Revonsuo, A., Tuominen, J., & Valli, K. (2015). *The simulation theories of dreaming: how to make theoretical progress in dream science*. Open MIND. Frankfurt am Main: MIND Group.
- Sándor, P., Horváth, K., Bódizs, R., & Thege, B. K. (2018). Attachment and dream emotions: The mediating role of trait anxiety and depression. *Current Psychology*, 1-10.
- Schredl, M., & Göritz, A. S. (2017). Dream recall frequency, attitude toward dreams, and the Big Five personality factors. *Dreaming*, 27(1), 49.
- Waters, T. E., Ruiz, S. K., & Roisman, G. I. (2017). Origins of secure base script knowledge and the developmental construction of attachment representations. *Child Development*, 88(1), 198-209.
- Williams, J. M., & Broadbent, K. (1986). Autobiographical memory in suicide attempters. *Journal of abnormal psychology*, 95(2), 144.

فصلنامه ایده های نوین

روانشناسی



دوره ۵، شماره ۹، تابستان سال ۹۹



Manifest Dream Content and Attachment style: Mediating Role of Autobiographical Memory

Saloomeh Ghasemi Monsef^{*1}, Gheysar Maleki²

Abstract

This study aimed to predict manifest dream content by attachment style with respect to mediating role of autobiographical memory. The statistical population included all bachelor students in the faculty of psychology and educational sciences of Tehran University who studied in the second semester of the academic year 2019-2020, 434 people were randomly selected from this population. All participants completed the Attachment Styles Questionnaire (Hazan and Shivar, 1978), Autobiographical Memory Test (Williams & Broadbent, 1986), Manifest Dream Content (Mousavipoor et al., 2015), and the Goldberg General Health Questionnaire (1990). Data were analyzed by structural equations modeling. Results showed a significant relationship between manifest dream content and attachment style mediated by autobiographical memory. In addition, positive and negative biographical memory had a significant relationship with dream content on the past recurrence, nightmares, death, and illness. Based on the findings, it can be concluded that dreams rooted in the developmental history and its content is mediated by the autobiographical memory.

Keywords: Autobiographical memory, Manifest dream content, Attachment styles.

¹ MA in psychology, department of psychology, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.
saloomeh_monsef@yahoo.com

² Ph.D. student, department of psychology, Shahid Beheshti University